

نقش والدین در رشد هوش عاطفی

کودکان تیزهوش

ترجمه: اصغر نوری امامزاده‌ای
کارشناس ارشد روان‌شناسی

شود. دکتر کاساندرما در مورد تأکید بیش از حد بر بعد شناختی کودکان تیزهوش هشدار می‌دهد و شیوه‌هایی را به والدین توصیه می‌کند تا از آن طریق بتوانند علائم هشدار دهنده اولیه‌ای را که ممکن است فرزندانشان برای کسب امنیت عاطفی از خود نشان دهند، به موقع شناسایی کنند. او به والدین کودکان تیزهوش سفارش می‌کند که در باره نقش بالقوه خود به عنوان یاری دهنده و نیز بازدارنده بیش‌تر فکر کنند، چرا که این امر برای ایجاد تعادل در رشد همه جانبه کودکان تیزهوش ضروری است.

خانم دکتر ماشش عامل عاطفی را ذکر می‌کند که می‌توان از طریق آن‌ها، موفقیت در مدرسه و سایر برنامه‌های آموزشی را تحت تأثیر قرارداد. والدین از طریق فراهم کردن زمینه مناسب برای رشد این شش خصیصه عاطفی می‌توانند کودکان تیزهوش خود را در امر پیشرفت تحصیلی یاری دهند، این خصیصه‌ها عبارت اند از:

۱- اعتماد به نفس^۴

این خصیصه به عنوان احساس کنترل خویش و هم‌چنین برخورداری از نوعی احساس و نگرش مثبت نسبت

با توجه به این موضوع که در برنامه‌های آموزشی ویژه تیزهوشان به طور عمده رشد شناختی آنان مدنظر قرار می‌گیرد و کم‌تر به جنبه‌های عاطفی آن‌ها توجه می‌شود، در این مقاله، مشکلات ناشی از ناهمگونی بین رشد شناختی و عاطفی کودکان تیزهوش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دکتر کاساندرما^۱ از مؤسسه خانواده دانشگاه نورث وسترن (۱۹۹۷)، در بررسی مسائل و مشکلاتی که ممکن است گریبانگیر کودکانی شود که جنبه شناختی‌شان رشدی سریع‌تر و بیش‌تر از مؤلفه‌های عاطفی‌شان داشته است، مشاهده کرد که رشد پیش‌رس شناختی و تیزهوشی شناختی^۲، هم‌بستگی بسیار بالایی با موفقیت افراد در زندگی ندارد و می‌توان گفت که در دوران کودکی توجه به ابعاد عاطفی از اهمیت زیادتری برخوردار است.

مطالعات طولی انجام شده بر روی دانش‌آموزانی که موفقیت تحصیلی بالایی داشته‌اند نشان داده است که تیزهوشی شناختی لزوماً به خلاقیت و شادکامی در زندگی منجر نمی‌شود. به نظر روان‌شناسان، برای تربیت افرادی که دارای اعتماد به نفس بالا باشند و بتوانند از زندگی خود لذت برده، زندگی مولد و سازنده‌ای داشته باشند، لازم است در کنار هوش شناختی به پرورش هوش عاطفی^۳ آنان نیز توجه

به ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود تعریف می‌شود. کودکان موقعی می‌توانند بر امور غلبه نمایند و موفق شوند که دارای اعتماد به نفس باشند.

۲- کنجکاو: ۵

این خصیصه هنگامی بروز می‌کند که کودک دریابد چیز جدیدی را کشف کرده است و بنابراین هیجان زده می‌شود. هنگامی کودک از یادگیری لذت می‌برد که بتواند چیزهای جدید را امتحان و تجربه کند. کودک کنجکاو از خطر کردن هراسی ندارد.

می‌شود. در حقیقت احساس تعلق به فرد کمک می‌کند تا بفهمد چه کسی است؟ جایگاهش در زندگی کجاست؟ چه هدفی دارد و چگونه می‌تواند موفق شود؟ اگر انسان احساس کند جزئی از گروه است و در موفقیت گروه سهیم می‌باشد، احساس رضایت بیش‌تری خواهد کرد و به وسیله این احساس، در رسیدن به اهداف خود توفیق بیش‌تری به دست خواهد آورد.

۵- توانایی برقراری ارتباط و تعامل با دیگران:

انسان موجودی است اجتماعی که برای ارضای



۳- پشتکار: ۶

خصیصه‌ای است که به کمک آن کودکان خواست و هدف خود را دنبال می‌کنند تا بدین وسیله با محیطشان تعامل داشته باشند. کودکانی دارای جدیت و پشتکارند که برای رسیدن به موفقیت، از خود پایداری نشان دهند، حتی اگر هدف آن‌ها دست نیافتنی به نظر برسد. در واقع این خصیصه هنگامی خود را به طور دقیق نشان می‌دهد که والدین چیزهای مورد درخواست فرزندشان را دور از دسترس وی می‌گذارند، ولی کودک به هر نحوی که شده سعی می‌کند به آن چیز دست پیدا کند. مهارت‌های حل مسئله که توسط کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد، نمونه‌ای از پشتکار خاص آنان است.

۴- نیاز به تعلق: ۷

این خصیصه به توانایی کودکان در تعامل اجتماعی با سایر کودکان اشاره دارد و از طریق برخورد محبت‌آمیز کودک در محیط‌های اجتماعی، از قبیل مدرسه حاصل

نیازهای متعدد جسمانی، روانی و اجتماعی خود ناگزیر از ایجاد ارتباط مؤثر و سازنده با دیگران است و تعامل با دیگران موجب تأمین امنیت عاطفی و اجتماعی می‌شود.

۶- تعاون و مشارکت: ۸

توانایی برقراری هماهنگی بین نیازهای خود و دیگران را مشارکت گویند.

دکتر ما خاطر نشان می‌سازد که علاوه بر یادگیری اطلاعات درسی و تلاش برای ترکیب آن با مؤلفه‌های عاطفی فوق‌الذکر، کودکان هم چنین برای رشد جسمانی خود تلاش می‌کنند. بنابراین کودکان در یک وضعیت رقابت‌آمیز سعی می‌کنند اطلاعات عاطفی، شناختی و جسمانی را به طور هم زمان دریافت کنند. کودکان ممکن است در پردازش اطلاعات مختلف با سرعتی متفاوت عمل نمایند. ممکن است آن‌ها در پردازش اطلاعات شناختی خیلی سریع عمل کنند ولی در عوض، در پردازش اطلاعات، مضامین و اشارات عاطفی خود و دیگران به کندی عمل

تیزهوش در مقایسه با سایر کودکان جامع‌تر بوده، ولی پردازش آنان جزئی‌تر است و بیش‌تر بر جزئیات راه حل متمرکز می‌باشد. به نظر می‌رسد این گونه کودکان در حل مسئله از راهبرد حرکت به عقب^۹ بهره می‌گیرند و از طرف دیگر برای درک آن چه انجام تکالیف اقتضا می‌کند، تلاش می‌نمایند. آن‌ها تمایل دارند بیش‌تر به ایجاد موقعیت‌های تازه بپردازند و اغلب سازگار و انعطاف پذیرند. هم‌چنین نسبت به کودکان عادی در پردازش اطلاعات سریع‌تر و موثرتر عمل می‌کنند.

درحالی که ویژگی‌های مذکور همگی جالب و شگفت‌انگیزند، اما در عین حال می‌توانند علت و عامل نابهنجاری‌های گوناگون این گونه کودکان نیز به شمار آیند. هنگامی که این گونه کودکان در کلاس‌هایی قرار گیرند که فراگیران دارای سطوح مختلف پیشرفت تحصیلی‌اند، اغلب این ویژگی‌ها توسط سایر دانش‌آموزان به عنوان نابهنجاری تلقی می‌گردد. متفاوت احساس شدن برای اکثر کودکان، مشکل‌آفرین است. این وضعیت تا اواخر دوره نوجوانی، یعنی زمانی که نوجوانان به قدر کافی با خودشان راحت‌اند و متفاوت احساس شدن برای آن‌ها قابل هضم است، به چشم می‌خورد، اما به طور کلی می‌توان گفت کودکان وقتی که از هم‌تایان خود متفاوت دیده شوند، احساس جدایی می‌کنند و این موضوع به نوبه خود می‌تواند منشاء مشکلات عاطفی باشد.

کودکان تیزهوش استرس و فشار روانی ناشی از متفاوت بودن با دیگران را به اشکال و صورت‌های مختلف نشان می‌دهند. شایع‌ترین اشکال و صورت‌های بروز ناخودآگاه اضطراب و استرس در کودکان تیزهوش عبارت‌اند از:

- ۱- **کم‌آموزی:**^{۱۰} برخی اوقات کودکان تیزهوش عملکردی پایین‌تر از حد انتظار دارند، عزت نفس پایینی از خود نشان می‌دهند و تلاش می‌کنند که نبوغ و تیزهوشی خود را پنهان نمایند.
- ۲- **غرور، خودبینی و رفتار گستاخانه:**^{۱۱} در برخی موارد کودکان تیزهوش در ابتدای امر، توانایی‌شان را شناسایی نموده، سپس نسبت به هم‌تایان خود

نمایند. روان‌شناسان معتقدند آگاهی والدین از این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا تحقیقات نشان می‌دهند که درصد زیادی از کودکانی که هوش شناختی بالایی دارند، مشکلات عاطفی از خود بروز می‌دهند. طبق یافته‌های پژوهشی، ۶-۱۶ درصد کودکان عادی، مشکلات عاطفی دارند، این در حالی است که ۲۵-۲۰ درصد کودکان تیزهوش از مشکلات عاطفی رنج می‌برند. در نتیجه والدین این گروه از کودکان در مقایسه با سایر والدین، نیازمند حمایت‌های بیش‌تر برای برخورد با تنش‌های حاصل از فاصله بین رشد جسمانی، عاطفی و شناختی فرزندشان می‌باشند.

طبق تحقیقات انجام شده، کودکان تیزهوش، مهارت‌های منحصر به فردی برای پردازش اطلاعات دارند. هنگامی که کودکان تیزهوش اطلاعاتی را از محیط دریافت می‌کنند، نسبت به سایر کودکان از فرایندهای متفاوتی برای پردازش آن اطلاعات استفاده می‌کنند. آن‌ها تمایل دارند قبل از نتیجه‌گیری نهایی، وقت زیادی را صرف تجزیه و تحلیل یک موقعیت و حل مسئله کنند. شناخت در کودکان

گستاخانه رفتار می‌کنند. این وضعیت در دراز مدت موجب جدایی آنان از همتایانشان می‌شود. چنین افرادی در آینده در زمینه رشد عاطفی دچار مشکل می‌شوند، زیرا از حمایت عاطفی دیگران محروم می‌گردند.

خویش است که اغلب در دوران کودکی ونوجوانی شکل می‌گیرد، یعنی در دورانی که افراد آمادگی ومهارت لازم برای روبه رو شدن با ناکامی‌ها را ندارند.

بر اساس یافته‌ها، خانم دکتر کاساندراما برای والدین و سایر بزرگسالانی که می‌خواهند کودکان تیزهوش را در حل و فصل آشفتگی‌ها وناراحتی‌های درونی خود یاری دهند، توصیه‌ها و راه‌کارهای عملی ارائه می‌کند. به نظر او اولین و مهم‌ترین خدمتی که بزرگسالان می‌توانند به کودکان تیزهوش ارائه دهند این است که عواطف و تجارب خود را به شکلی قابل فهم بیان کنند و آن‌ها را درست نامگذاری کنند تا کودکان از همان سال‌های کودکی از الگوهای خود یاد بگیرند عواطف خود و دیگران را درست شناسایی نمایند. دوم این که این گونه کودکان را در موقعیت‌ها و فعالیت‌های غیر رقابتی قرار دهند تا بتوانند در فعالیت‌های آموزنده، سرگرم کننده و در عین حال غنی خارج از مدرسه شرکت کنند، زیرا فعالیت‌های فرامدرسه‌ای به کودکان اجازه می‌دهد تا به دور از نظارت دقیق معلم و بدون نگرانی و اضطراب درسی، توانمندی‌های خود را کشف نمایند و فعالیت‌های مناسبی را در بین همسالان خود، که با آن‌ها علائق مشترک دارند، تجربه کنند.

منبع:

WWW.CTD.NORTHWESTERN.EDU

- 1- CASANDRA MA
- 2- COGNITIVE GIFTEDNESS
- 3- EMOTIONAL INTELLIGENCE
- 4- SELF - CONFIDENCE
- 5- CURIOSITY
- 6- INTENTIONALITY
- 7- RELATEDNESS
- 8- COOPERATIVENESS
- 9- TO STEP BACK
- 10- UNDERACHIEVEMENT
- 11- ARROGANCE
- 12- ALIENATION

۳- بیگانگی: پاره‌ای اوقات کودکانی که از دیگران فاصله می‌گیرند به طور ناخودآگاه به جدا نگه داشتن خود از دیگران ادامه می‌دهند و این امر موجب بیگانگی بیش‌تر آن‌ها از دیگران می‌شود.

علاوه بر مشکلات و مسائلی که می‌تواند در بافت کلاس بروز یابد، مسائل دیگری هم هستند که می‌تواند از درون کودک ناشی شوند. کودکان تیزهوش مستعد تجربه ناکامی‌های اساسی و عجیب و غریبی‌اند. این ناکامی‌ها معمولاً هنگامی شکل می‌گیرند که آن‌ها دارای دانش و معلومات کافی‌اند، ولی قادر به بیان یا توصیف آن نیستند یا فاقد توانمندی‌های جسمانی لازم برای عمل طبق دانش خودند. به بیان دیگر، این گونه کودکان به دلیل این که از نظر جسمانی آمادگی لازم را برای انجام برخی تکالیف ندارند و نیز از نظر عاطفی برای پذیرش چیزهایی که درک می‌کنند، آماده نیستند، در نتیجه رفتارها و احساسات ناپخته و بچگانه از خود بروز می‌دهند.

در نهایت، کودکان تیزهوش در روابط خود با افراد بزرگسال مشکلاتی را بروز می‌دهند. این گونه کودکان نوعاً بزرگ‌تر از آن چه هستند، به نظر می‌رسند و به همین دلیل افراد بزرگسال اغلب به شیوه‌ای با آنان برخورد می‌کنند که آن‌ها قادر به کنار آمدن با آن شیوه نیستند یا در این ارتباط نیازهایشان برآورده نمی‌شود. در نتیجه ممکن است در جریان خشنود ساختن افراد بزرگسال، اضطراب غیر قابل‌تصور را تجربه کنند.

وقتی با کودکان به شیوه‌ای همانند افراد بزرگسال رفتار می‌شود، اغلب نوعی عقده کمال‌گرایی در آن‌ها رشد می‌یابد و به دلیل انتظارات زیادی که از آن‌ها وجود دارد، هیچ وقت یاد نمی‌گیرند که اشتباهات و خطاهای خود را بپذیرند و این امر بار سنگینی بر دوش کودک خواهد بود. پیامد و نتیجه رفتار بزرگسالانه با کودک تیزهوش، شکل‌گیری بلوغ کاذب در او می‌باشد. بلوغ کاذب احساسی نادرست نسبت به

پی‌نوشت‌ها:

مجموعه مقالات فرهنگی
جامع علوم انسانی